

سرخن

نیم‌نگاهی تأمل‌برانگیز به پشتوانه‌های پژوهشی، آموزشی و حرفه‌ای رشته علم‌سنجی در دانشگاه‌های جهان

یکی از مسائلی که همواره در خصوص راه‌اندازی رشته‌های دانشگاهی جدید مورد توجه قرار می‌گیرد، نیازمحور بودن و به عبارتی لزوم دارا بودن قابلیت‌هایی برای رفع برخی از مسائل و نیازهای کشور است. از آنجایی که در خصوص نیازمحوری علم‌سنجی، در سخن سردبیر شماره‌های پیشین پژوهشنامه سخن‌های بسیار گفته شد، در اینجا فقط به همین نکته بسنده می‌شود که در فاصله کوتاهی از تأسیس این رشته در کشور، زمینه‌های بکارگیری دانش‌آموختگان علم‌سنجی در بسیاری از دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها فراهم شده که این خود می‌تواند مهم‌ترین دلیل نیازمحور بودن این رشته در کشور قلمداد شود. البته چشم‌انداز حرفه‌ای به این موضوع، این دیدگاه را نیز در خود نهفته دارد که با گذشته قریب به نیم دهه از دانش‌آموختگی دانشجویان علم‌سنجی در کشور، امروزه این فرصت و عرصه مؤثر شغلی و حرفه‌ای جدید نیز در اختیار علم‌اطلاعات و دانش‌شناسی قرار گرفته و زمینه‌های حضور گسترده‌تر کتابداران را، این بار با پوشش علم‌سنجی در سازمان‌های کشور فراهم کرده است. با این حال، بازهم این سؤال مطرح می‌شود که آیا نیازمحور بودن می‌تواند به عنوان تنها دلیل راه‌اندازی یک رشته قلمداد شود و آیا یک رشته می‌تواند بدون دارا بودن پشتوانه‌های پژوهشی لازم، وجود خارجی پیدا کند و به عرصه‌های آموزش عالی راه یابد؟

بدیهی است که هیچ ذهن فرهیخته‌ای این مطلب را نخواهد پذیرفت که یک رشته دانشگاهی فقط به صرف نیازمحور بودن و بدون برخورداری از پشتوانه‌ها و سوابق پژوهشی لازم در سطح ملی و بین‌المللی، بتواند به عرصه‌های آموزش عالی راه یابد. البته با نگاهی واقع‌گرایانه به این موضوع، می‌توان این‌گونه اذعان داشت که بدون وجود پشتوانه‌ها و سوابق پژوهشی قوی، ویژگی‌ها و قابلیت‌های یک رشته دانشگاهی حتی هویت مستقلی پیدا نمی‌کند، تا چه رسد به این که آن رشته بخواهد در عرصه‌های آموزش عالی نیز وارد شود. بنابراین، به سهولت می‌توان پذیرفت که برای راه‌اندازی یک رشته دانشگاهی، برخورداری از هویت مستقل ناشی از پشتوانه‌های پژوهشی بین‌المللی، از اهمیت خاصی برخوردار است.

با وجود این دو اصل بدیهی، بازهم این سؤال مهم باقی می‌ماند که منظور از داشتن پشتوانه‌های پژوهشی بین‌المللی چیست؟ آیا نشریات علمی و تخصصی که در زمینه انتشار پژوهش‌های یک حوزه خاص

فعالیت می‌کنند، پشتوانه‌های علمی یک حوزه دانشگاهی محسوب می‌شوند؟ انجمن‌های تخصصی بین‌المللی که در یک حوزه خاص فعالیت می‌کنند چطور؟ همایش‌های تخصصی که قدمت بعضی از آنها حتی به ده‌ها سال می‌رسد و بطور مستمر و بی‌وقفه در سطح بین‌المللی و در کشورهای مختلف برگزار می‌شوند چطور؟ به عبارتی، آیا همایش‌هایی که به متخصصان هر حوزه فرصت می‌دهند تا گرد هم آیند، به اشتراک‌گذاری یافته‌های علمی خود بپردازند، مسائل علمی خود را با یکدیگر مطرح کنند و به این ترتیب، شبکه‌های علمی و تخصصی خود را تقویت کنند را می‌توان به عنوان بخش‌هایی از پشتوانه‌های علمی یک رشته دانشگاهی قلمداد کرد؟ گذشته از این، آیا می‌توان وجود نظریه‌های علمی در یک حوزه را یکی از مهم‌ترین نشانه‌های زنده بودن و ریشه‌دار بودن هویت و به عنوان پشتوانه‌ای دیگر برای آن حوزه به شمار آورد؟ بدیهی است که پاسخ تمامی این سؤالات در نزد هر ذهن فرهیخته‌ای مثبت خواهد بود؛ زیرا هر پژوهشگر منصفی به این واقعیت اذعان می‌کند که انجمن‌ها، همایش‌ها و نشریات تخصصی هر حوزه دانشگاهی، اصلی‌ترین پشتوانه‌های علمی آن به شمار می‌روند و زمینه‌ساز ظهور نظریه‌های علمی جدید در آن حوزه هستند؛ نظریه‌هایی که در نهایت هویت آن حوزه علمی را جلا می‌دهند و به آن قوام می‌بخشند.

حال اگر چارچوب‌های بنیادی فوق را بپذیریم، پاسخ‌گویی به این سؤال که "آیا رشته علم‌سنجی از هویت و پشتوانه‌های علمی، دانشگاهی و حرفه‌ای بین‌المللی برخوردار است یا خیر؟"، بسیار ساده خواهد بود؛ چرا که چندین انجمن، همایش و نشریه تخصصی بین‌المللی پویا و فعال در این حوزه در کشورهای مختلف حضور دارند که قدمت برخی از آنها به حدود نیم قرن می‌رسد. از طرفی، قدمت برخی از نظریه‌های علمی این حوزه که از همان ابتدا توجه دنیای علم را نیز به خود معطوف داشته‌اند، به حدود یک قرن می‌رسد. بسیاری از این نظریه‌ها، دستاوردها و شاخص‌های علم‌سنجی به عرصه‌های عملیاتی نیز وارد شده و در محصولاتی نظیر پایگاه‌های علم‌سنجی ظهور یافته و روزبروز زمینه‌های توسعه بیشتر این پایگاه‌ها را فراهم آورده است. بنابراین، رشته علم‌سنجی که از سال ۱۳۹۰ در ایران هویت دانشگاهی گرفته، نه فقط بر اساس نیازهای داخلی، بلکه بر اساس مجموعه‌ای از پشتوانه‌های علمی، دانشگاهی و حرفه‌ای بین‌المللی به عرصه‌های آموزش عالی ایران وارد شده است.

البته پشتوانه‌های علمی و دانشگاهی رشته علم‌سنجی، تنها به بخش پژوهش محدود نمی‌شود، بلکه عرصه‌های آموزش عالی را نیز در بر می‌گیرد؛ بطوری که این حوزه توجه بسیاری از دانشگاه‌های جهان را به خود جلب کرده است. هم‌اکنون تعداد قابل توجهی از دانشگاه‌های بین‌المللی در راستای پاسخ‌گویی به

نیازهای جامعه و همچنین به منظور توسعه دانش تخصصی علم‌سنجی، شرایط لازم برای تحصیل مشتاقان این رشته را فراهم کرده‌اند. مشتاقانی که وقت، انرژی و تمرکز خود را نه فقط بر اساس علاقه شخصی، بلکه بدلیل نیازی که امروزه به دانش این حوزه وجود دارد برای تحصیل در این راه صرف می‌کنند و این رشته را برمی‌گزینند. نیازی که روز بروز پررنگ‌تر می‌شود و مراکز تحقیقاتی و عملیاتی متعددی در سطح بین‌المللی را که با نام علم‌سنجی یا با نام‌های مشابه در زمینه سنجش و ارزیابی علم، فناوری و نوآوری فعالیت می‌کنند، بسوی جذب و استخدام دانش‌آموختگان و متخصصان این حوزه هدایت می‌کند.

البته نباید این واقعیت مسلم را از نظر دور داشت که شیوه توسعه و نام‌گذاری رشته‌ها در کشورها، تابع شرایط حاکم بر نظام آموزش عالی هر کشور است و بویژه به متمرکز یا غیرمتمرکز بودن این نظام‌ها بازمی‌گردد. بدیهی است که روش‌های توسعه و نام‌گذاری رشته‌ها در کشورهای مختلف نیز تحت تأثیر همین موضوع قرار دارد و ممکن است از کشوری به کشوری دیگر متفاوت باشد. به دلیل وجود همین تفاوت‌هاست که در صورت یکسان نبودن نام رشته‌ها، دانشگاه‌ها همترازسازی مدارک تحصیلی دانشجویان و دانش‌آموختگان را بر اساس محتوای رشته‌هایشان مینا قرار می‌دهند و آن را با رشته‌های دانشگاهی همتراز خود معادل‌سازی می‌کنند. به این ترتیب، موضوع همترازسازی و معادل‌سازی مدارک رشته‌های تحصیلی دانش‌آموختگان نسبت به یکدیگر، خود مقوله‌ای دیگر است که باید از نگاهی متفاوت به آن نگریست. بنابراین، نباید هم‌شکل نبود نام یک رشته در برخی دانشگاه‌ها یا کشورها را مبنای بود یا نبود آن رشته در یک دانشگاه یا کشور قلمداد کرد؛ چرا که در غیر این صورت، این نتیجه حاصل خواهد شد که بسیاری از رشته‌های دایر در یک کشور نظیر ایران، در دانشگاه‌های سایر کشورها دایر نیستند که مسلماً نتیجه‌ای صحیح محسوب نمی‌شود و از نگاه نادرست به اصول، ریشه‌ها، محتوا و همترازسازی رشته‌ها نشأت می‌گیرد.

به همین ترتیب، امروزه مراکز فعال علم‌سنجی نیز تنها به مراکزی محدود نمی‌شوند که نام علم‌سنجی یا Scientometrics را در عناوین سازمانی خود دارند، بلکه طیف بسیار گسترده‌تری از مراکزی را در برمی‌گیرد که در این زمینه فعالیت می‌کنند. یک جستجوی ساده در وب و شبکه‌های اجتماعی علمی نظیر LinkedIn و ResearchGate به وضوح نشان خواهد داد که اگرچه کم نیستند تعداد مراکز ملی و بین‌المللی که از واژه Scientometrics در عنوان خود استفاده می‌کنند، اما علاوه بر آن، مراکز متعدد دیگری که بدون استفاده از واژه Scientometrics در عناوین خود در این حوزه فعالیت می‌کنند نیز فراوانند. البته این‌که مراکز از چه واژه‌ها، عبارت‌ها یا برچسب‌هایی برای نام‌گذاری یا معرفی فعالیت‌های خود در این زمینه استفاده می‌کنند چندان حائز

اهمیت نیست، اما آنچه اهمیت دارد این است که تمامی مراکز فعال بین‌المللی در حوزه علم‌سنجی بر یک چیز اتفاق نظر دارند و آن تمرکز بر «سنجش و ارزیابی علم، فناوری و نوآوری، با هدف پشتیبانی از برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری در سطح خرد و کلان است» و این همان نکته‌ای است که همه این مراکز را در کنار یکدیگر و در ردیف خانواده علم‌سنجی قرار داده است. نکته مهم دیگر این‌که اگرچه هر یک از این مراکز نیز با تکیه بر پشته‌های متعدد علمی و عملی پا به عرصه وجود گذاشته‌اند، اما خود نیز از پشته‌های قوی رشته علم‌سنجی محسوب می‌شوند و در چرخه توسعه و حیات بین‌المللی این حوزه حضور دارند. بنابراین، علم‌سنجی حوزه‌ای است نیازمحور و دارای پشته‌های قوی علمی، پژوهشی، آموزشی، حرفه‌ای و عملی که روزبروز بیشتر در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های جهان توسعه می‌یابد و خوشبختانه در نظام آموزش عالی کشورمان نیز بموقع تولد یافته و با همدلی و حرکت منسجم برای توسعه روزافزون آن، منشأ اثر نیز بوده و خواهد بود.

عبدالرضا نوروزی چاکلی

سردبیر دو فصلنامه پژوهش‌نامه علم‌سنجی